

بسم الله الرحمن الرحيم

دکتر علی اصغر کوشافر *

کتاب و آراستن آن در ایران

خلاصه:

خط و کتاب در حرکت انسان به سوی تمدن نقش بنیادی داشته است. نیاز و علاقه انسان به ثبت وقایع عامل مهمی بوده است در امر تطور و تکامل خط که آن را از شکل تصویری تا قالب امروزی سوق داده است.

ساختن کاغذ و انواع مرکب و ضبط اطلاعات موجبات پیشرفت و توسعه علوم مختلف بوده است. کثرت تهیه انواع کاغذها موجب افزونی کتاب و کتابخانه‌های معظم شده است.

صفحات و جلد کتاب خود، گذشته از محتوای علمی و ادبی و تاریخی مندرج در آن، در ادوار مختلف، همانند سایر حوزه‌ها نظیر مساجد، اماکن متبرکه، قصرها..... عرصه بسیار بسزا و مناسبی بوده است جهت ظهور جلوه‌های مختلف از قبیل نقاشی و خطاطی و تذهیب و ...

تغییرات نگارشی هنرمندان هریک از شعبه‌های مختلف هنر بسا تکیه به نبوغ و استعداد و تلاش خود در زمینه تزئین اجزای مختلف کتاب نوآوری‌هایی پدید آورده‌اند و بدین صورت کتاب متجلی به زیور

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز

خطاطی و تذهیب و نقاشی و تجلید در طول تاریخ به عنوان یکی از نمودارها و کارنامه‌های هویت فرهنگ و هنر ایرانی معرفی شده است. هنرمندان در تزئین کتاب از تخیلات شعرا متأثر شده‌اند و دست و خاطر نقش آفرینشان در عرصه هنر خط و تجلید و نقاشی، زیبایی‌های تحسین برانگیزی خلق کرده است. اساتید فن شاگرد را مثل فرزند می‌دانستند و در آموختن، شناخت استعداد و ذوق آنان و اصالت های هنری ملحوظ بوده است.

محور اصلی این پژوهش عبارت است از بحث و بررسی در سبب ظهور خط، اختراع کاغذ، کتاب و کتاب آرائی به صورتهای مختلف (خطاطی، نقاشی و تجلید) و آموزش این هنرها و نیز معرفی مشاهیر این فنون خواهد بود.

* * *

تجلی خط و نوعی چاپ از افق شرق بوده است. صاحبان اولیه خط، اقوام اکدی و سومری بوده‌اند که در دره‌های سفلی دجله و فرات در سمت شرق تمدن مصر باستان می‌زیسته‌اند. انتقال خط تصویری و میخی از میان تمدنهای مذکور در فوق از طریق اقوام سامی و آشوری و ایرانی صورت گرفته است. در این نقل و انتقال کارهای تجارتي و دریائی فینیقی هانقش اساسی داشته و دگرگونی‌هایی که درباره تکامل خطوط ایجاد نموده‌اند، قابل ذکر و مهم می‌باشد.

در آغاز مصریان و نیز اقوام چینی، در انتقال اندیشه از خط تصویری استفاده می‌کردند. با وجود بعد مکانی و جغرافیایی بین این دو قوم که یکی در سمت غرب و آن دیگری در منتهی الیه شرق می‌زیسته‌اند، همسان هم توانسته‌اند در بیان مافی الضمیر خود، رموز تصویری را بکار بگیرند. در نوشته‌های تصویری باستانی چین و مصر درباره کلمات مشابه مانند خورشید و ماه و کوه و آب و باران و انسان و ماهی، غالباً "مشابه یکدیگر در آمده است. (۱) در زمانهای بعد که رموز جای تصویر را می‌گیرد

این تناسب و تشابه شکل و معنی کمک بزرگی در آسان کردن تفهیم و درک معانی و اندیشه نموده‌اند. و امروز نیز از این همگامی در آموزش استفاده می‌شود که روش لوباخ گواه این امر محسوب می‌شود. (۲)

تطور تصویر و شکل گیری خط از این تحول، آنگاه ارزش والای خود را روشن نمود که انسان ماده‌ای ساخت که هم تهیه‌اش به وفور مقدور بود و هم نوشتن بر روی آن سختی‌های حک بر روی سنگ و الواح مختلف را نداشت، پس از اختراع این ماده، نگارش از روی سنگ و الواح دیگر به روی عنصر جدید یعنی پاپیروس انتقال یافت. پاپیروس از مغز علفی که در باتلاق‌های نیل فراوان می‌روشد بدست می‌آمد.

افزارهای جدیدی جهت نوشتن بر روی این کاغذ ضرورت داشت. مصریان انواع گوناگون ماده رنگین (یا مرکب) را همراه با قلم موئی ساخته شده از یک نوع بوریا که از همان باتلاق‌ها بدست می‌آمد بکار گرفتند. هم ریشه بودن کلمات پاپیروس و "paper" و "bible" قرینه و دلالتی آشکار بر وسعت نفوذ و سیطره، این اختراع مهم بشر می‌باشد.

پاپیروس در مقایسه با سایر مواد نظیر استخوان، گل رس، پوست، برگ، تخته، عاج و... دارای امتیازاتی بود از جمله، سهولت نگارش، چه به هنگام حک بر روی اجناس دیگر، اجزای مختلف یک سند، یا (مثلاً) مقدمه و مبحث اصلی و نتیجه موضوعی) در نوشته‌های طولانی از یکدیگر جدا می‌ماند، تفوق دیگر این ماده عبارت بود از آسانی در امر حمل و نقل و مراقبت، چون نگهداری الواحی که از جنس دیگر تهیه می‌شد در طی قرون متوالی کاری دشوار و غیر عملی بود. گاهی زیبایی و سنگینی این اسناد اغراق آمیز و غیر قابل تصور جلوه می‌کند. بعنوان مثال در روایات اسلامی آمده است که اوستا بر روی ۱۲ هزار پوست گاو نوشته شده بود که اسکندر آنرا سوزانید. (۳) آیا استفاده و همسلسلو مواظبت از یک چنین سندی امکان پذیر می‌باشد؟

جادارد که از یکی دیگر از وجوه برتری پاپیروس نیزذکری به میان آید، اینکه ورقه‌های پاپیروس به آسانی به هم چسبانده می‌شد و طومارهایی بنام Volumen (اشتقاق کلمه Volume به معنای جلد و مجلد از همیسن واژه است) در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف بدست می‌آمد.

کتاب: به معنی وسیع، مجموعه‌ای از الواح (چوبی، عاجی و جز آن) یا پارشمن، یا مواد مشابه که بر آنها نوشته یا چاپ کرده و آنهارابه یکدیگر پیوسته‌اند، معمولاً چنین مجموعه‌ای وقتی کتاب خوانده می‌شود که تعداد اوراق آن متنابه باشد. بعضی آثارمکتوب بیش از ۶۴ صفحه را کتاب می‌شمارند و گروهی حداقل تعداد صفحات کتاب را ۹۶ صفحه محسوب میدارند. دسته کردن ورق‌ها و به صورت کتاب امروزی درآوردن آن از قرن دوم میلادی متداول گردیده است. (۴) کاغذی که ما استعمال می‌کنیم اختراع چینی است و با کاغذ مصری اختلاف اساسی دارد و قدمت آن به قرن دوم پیش از میلاد می‌رسد.

در ادوار گذشته و دور، نوشتن، مخصوص مطالب و موضوعات جاودانی و ماندنی بود که آهسته و حتی کند صورت می‌پذیرفت. حکم بر سنگها بسیار دشوار بود ولی به علت عشق و علاقه خاص، این صعوبت مانع جدی شمرده نمی‌شد. نبشته‌ها کوتاه بودند و از جنبه هنری، عمل نگارش یک کار مقدس بشمار می‌رفت و همین امر باعث می‌گردید که هنرمند بیش از توان خود رنج ببرد و تا نهایت سعی و کوشش می‌کرد که کار او زیبا از آب درآید. تلاش هنرمندان متکی به ایمان در معماری، حجاری، مجسمه سازی، نقاشی، خطاطی و معابد به وضوح تجلی می‌کند، (۵) و اگر عماره و جوهر عشق و تقدس در این آثار وجود نداشته باشد دیگر هنرمند حرفی برای گفتن و نمایی برای عرضه کردن نخواهد داشت. اصول هنر به وسیله چشم دل رؤیت می‌گردد گرچه وقایع خارجی محرک اصلی هنرمند در ایجاد کارهای هنری است، خود وقایع نیز به تنهایی نمی‌توانند موضوع کار هنری قرار گیرند و هنرمند

حقیقی را که در پشت آن وقایع نهفته است در نظر دارد و با آنها ارتباط بسیار معنوی و صمیمانه ایجاد می‌کند.

کتاب و کتابخانه قبل از شکل‌گیری کتاب بصورت امروزی در بسیاری از شهرهای مشهور جهان گذشته وجود داشته است. دانشمندان در خرابه‌های بابل کتابخانه‌ای یافتند که کتاب‌های آن از آجر پخته بود و بنای آن به ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسید. (۶)

منابع موجود حاکی از وجود کتاب و کتابخانه در ایران قبل از اسلام است. ایرانیان و سایر مردم آسیا، از زمانهای دور، علاوه بر الواح سنگی و سفالی، از کاغذ پوستی هم استفاده کرده‌اند. مردم ایران زمین نخستین قومی بودند که افزون بر کاغذ پوستی، از پوست "خدنک" بنام "توز" در نوشتن سود جستند. روایات یونانی از لوله‌های کاغذ یا دفترهای سلطنتی ایرانیان یاد می‌کنند. اسکندر پس از تسخیر پاسارگاد قسمتی از کتابهای آن را سوزاند و قسمتی را ترجمه کرده و به اسکندریه فرستاد. در آن موقع در ایران گنجینه‌هایی از علوم گردآوری شده بود. (۷) کتابهای بدست آمده از سردابی در نواحی فارس و نیز کتابهای بدست آمده از داخل صندوقی از برج و باروی اصفهان دلالت دارد بر وجود این گنجینه‌ها در دوران قبل از اسلام. (۸)

در دوره ساسانیان توجه به علوم مختلف موجب گردید که کتابهای در شاخه‌های مختلف آن تنظیم گردد. فهرست این کتابها همراه با تعداد واژه‌هایی که در آنها بکاررفته موجود است. (۹) دانشگاه‌های گنبد شاپور و ریواردشیر و فعالیت‌های مهم علمی آنان قرینه مستدلی است بر نگارش کتاب در شاخه‌های مختلف علوم.

در دوران نهضت ترجمه به برکت همت و تلاش مترجمان، ترجمه کتب از زبان یونانی، سریانی و پهلوی و هندی به عربی صورت می‌گرفت. اسامی ۲۰ کتاب که در دوران نهضت علمی عباسیان از فارسی به عربی ترجمه گردیده، موجود است. اسامی قریب هفتاد کتاب که تألیف آنها

منسوب به ایرانیان بوده و پس از غلبه اسلام به عربی ترجمه گردیده‌اند در منابع تاریخ ادبی ایران مذکور است. (۱۰)

مانویان که در زمان ساسانیان در شرق از چین تا غرب پراکنده بودند از جمله ایرانیانی بودند که برای انتشار کتب مذهبی و اشاعه عقاید خویش تلاش می‌کرده‌اند و از این طریق در زمره پیشگامان صنعت کاغذسازی قرار گرفته‌بودند. آنان این فن را از چینی‌ها آموخته و به غرب نیز انتقال داده‌اند. کاغذ سمرقندی و ترمه‌ای ایرانی بسیار مرغوب بوده و در تمامی کشورهای همجوار شهرت و رواج داشته‌است. (۱۱)

مانی متولد ۲۱۶ میلادی صورتگری ماهر بوده و کتاب ارژنگ یا ارتنگ که حاوی تصاویر زیبا و آراسته بوده، بعنوان معجزه اودرتاریخ مورد بحث و گفتگو بوده‌است. نقاشی و خطاطی و آراستن کتب به نقوش و تجلید و صحافی رانیز به مانی نسبت می‌دهند. عده‌ای عقیده دارند اثر قلم مانی بر روی نقاشی ظریف چینی مشخص می‌باشد. بعلاوه مانی رسم الخط مخصوصی اختراع نمود که در الفهرست ابن ندیم شکل آنها دیده می‌شود. (۱۲) از مانی آثار و کتابهای دیگری نیز بجای مانده است که اسامی شش جلد از آنها در منابع معتبر موجود است. (۱۳)

پیروان مانی شیوه او را در آراستن کتاب اعم از تجلید و صحافی و خطاطی و نقاشی و رنگ آمیزی ادامه داده و از هیچ گونه ماسعی و مخارج در این کار دریغ نداشتند و توجه عظیمی به تزئین و تذهیب کتب خود داشتند، در سال ۳۱۱ هجری که تصویر مانی و چهار عدل از کتب زنداقه در باب العامه بغداد آتش زده شد، مقدار قابل توجهی طلا و نقره از کتب مزبور فرو ریخت. مریدان حلاج (مقتبول ۳۰۹) نیز در تزئین کتب خود از مانویان تقلید می‌کردند، چنانکه بعضی کتابهاشان بر کاغذ چینی و برخی با آب طلا نوشته، و با دیبا و حریر و چرم ممتاز جلد گرفته می‌شد. (۱۴)

قبل از اسلام عربها دارای کتاب نبودند و با نزول قرآن کریم

و مضبوط ساختن آن این کار صورت پذیرفت. داستان هنر اسلامی با فتوحات آن و آشنائی با اقوام و تمدنهای مختلف آغاز می‌گردد. در ایمن رهگذر هنرمندان خوش قریحه ایرانی در کلیه شاخه‌های هنری خدمات شایسته و شایانی معمول داشتند و آثار برجسته‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند. اما تلاش آنان در راستن کتاب و آنچه در این مقوله می‌گنجد واقعا "اعجاب آور و تحسین برانگیز است.

خط که زبان دست، شادی دل، سفیر خرد و ندیم دل آرام دوستان به وقت جدائی است با ابتکار و تلاش هنرمندان ایرانی همچون ابن مقله وزیر ایرانی سه خلیفه عباسی که در تکمیل شش قلم بعنوان محقق، رباعی، ثلث، نسخ، رقاع و توقیع کوشیده است، فضل بن سهل، قابوس بن وشمگیر، صاحب بن عباد، خواجه نظام الملک، خواجه نصیرالدین طوسی، مولانا جعفر تبریزی، سلطان علی مشهدی، عماد، میرزا محمدرضا کلهر، سید علی اکبر گلستانه، وصال شیرازی، حاج میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، میرخانی و بصورت یک هنر برجسته جایگاه خود را پیسدا کرده است. (۱۵)

خطاط بهمان روش که موسیقیدان احساسات خود را در قالب محدوده پریبج و خمی بیان می‌کند، حروف را به تسلط خود در می‌آورد و آنگاه خلق می‌کند. نگریستن به صفحه‌ای از صفحات شاهنامه بایسنقری که خط آنسرا میرزا جعفر تبریزی در نستعلیق شیوا پرداخته و مزین به مجالس تصویر و تذهیب‌های عالی است و در ۸۳۳ هجری قمری تکمیل شده است، همان لذت معنوی را در درون انسان ایجاد می‌کند که شنیدن قطعه‌ای موسیقی روح پرور. صفحه‌ای بخط خوش نستعلیق، خطی که بدست و فکرایوانی تکامل یافته است، چنان جلوه و جمالی دارد که هیچیک از خطوط دیگر تمدن بشری با آن برابری نمی‌تواند بکند.

وینچی می‌گوید: "حرکت آرام و ما پریبج هر چیز را با دقت نگاه کن" (۱۶) یک سلسله اشکال و صور دلکش در بر ندارد. قوس و دایره که

زیبائیهای خاصی را تداعی می‌کند، ابرو، گونه، زنخدان، خال و و خطهای عمودی الف و کاف و لام که برافراشتگی قد و مردانگی در آن مستتر است. علی ابن مقلسه قلمی اختراع نمود و او را ثلث نام نهاد. (۱۷) و خط ثلث که صورت زیبای آخرین خط با خود جلو و زیبائیهای وصف ناشدنی دارد. و در آن صور دلکش و برافراشتگی خودنمایی می‌کند.

ساختن کاغذ، مرکب، تراشیدن قلم، نقش های قلمدان به نوبسه، خود تجلی گاه هنر ایرانی هستند. موقعی که عبدالجبار به قضاوت منصوب گردید. حکم او را صاحب بن عباد به خط خود نوشت و در آراستن آن عنایت بسیار مبذول داشت و آن هفتصد سطر بود، هر سطر در یک ورقه سمرقندی، در یک جعبه آبنوسی به شکل استوانه‌ای ضخیم، این تحفه را با هدایای دیگر در قرن پنجم به نظام الملک وزیر اهداء کردند. از آن جمله قرآنی بود به خط واضح، دست نبشته یکی از خوشنویسان که اختلاف قرائات با مرکب قرمز و تفسیر مشکلات با مرکب سبز و زیروزبر با مرکب کبود بین سطور نوشته شده، و روی آیات مناسب جهت نامه‌ها و عهدنامه‌ها و احکام، و با مضمون تشویق و تهدید یا تسلیت و تبریک، با آب طلا نشانه گذاری شده بود. (۱۸) آنچه بیشتر از همه اینها جذابیت داشت خطاطی زیبای این آثار بوده است.

دکتر زکی محمد حسین می‌نویسد: "توجهی که ایرانیان بسه کتابهای خطی داشته‌اند بی‌نظیر است و هیچیک از ملل عالم نتوانسته است به پایه آنها برسد، انسان وقتی کتاب هنری نفیسی را بدست می‌گیرد نمی‌تواند تصمیم بگیرد که کدام قسمت آنرا تماشا نماید. از دقتی که در تزیینات زیبا و تذهیب کاری آن بکار رفته است در شگفت می‌ماند. جاذبه نقاشیهای آن و رنگ آمیزی بدیع، زیبائی جلد و نقش و نگار آن و یا شیوائی خط که مبین صبر و شکیبائی هنرمندان ایرانی و پشتکسار و قریحه و ذوق آنان است، انسان را به تحسین و تکریم و امیدارد. (۱۹)

نذهیب سرلوحه، زیبا نثیا، کانون توجه بیننده و مدخلی بسوی متن کتاب است. این قسمت با اضافه جلد کتاب است که هویت و قدرو اعتبار کتاب را متجلی می‌کند. عنوان کتاب و نمونه‌ای از خط که در قاپ نذهیب گرفته شده است نشانه‌ای است از جلوه و جمال و چیره دستی و قدرت استادان.

هنر نذهیب کاران در حاشیه‌های پهن، با نقش‌های آزاد، ملهم از عواطف انسانی، عناصر طبیعت نظیر شاخ و برگ درختان، قطعات ابر، پرواز پرنندگان، خرامیدن غزالان و عرصه‌بزم که با رنگی ملایم، اغلب طلائی در پیچ و خم دلنواز و خیال‌پرور شاخه‌ها و برگ‌های رز جلوه‌گر می‌شود که می‌تواند به عنوان نشانه و نمود نبوغ فطری و تحمل و طاقت هنرمندان خلاق، نظر نظرارگیان را به خود جلب کند. تجلیات این هنر سحرآمیز از طریق درشت نمائی ذره‌بین عیان ترمی‌شود.

صفحات اول و مدخل کتاب با این لطافت و ظرافت و سرلوحه‌های چنین عالی، معرف موضوع و متن کتاب است که مشتاقان را دعوت به مطالعه کرده و شوق تجسس را در او برمی‌انگیزد. و خود کتاب موجب می‌گردد تا انسان تجلیل و تکریمی نسبت به کتاب و هنرمندان آن احساس نماید.

هنر ایرانی بر تزئین مبتنی است. ادبیات فارسی پیوستگی تنگاتنگی با نقاشی ایرانی داشته است. نقاش از مضامین متنوع ادبی مایه می‌گیرد. اشخاص و صحنه‌ها و داستانها و راز و رمز کائنات را بنحو حیرت‌انگیزی می‌نمایاند. جولان خاطر شعرا و نقاشان ایرانی در عرصه خیال‌بندیها و آفرینش صور همسان و همانند است. توصیف‌های نابی که سخنوران از عناصر طبیعت و انسان و اشیاء ارائه می‌دهند در کنار نقاشان رویت می‌گردد. شاعر شب را به لاجورد و خورشید را به سپهر زرین، روز را به یاقوت زرد، رخ را به ماه، ابرو را به کمان، قد را به سرو، لب را به غنچه و تشبیه می‌کند و نقاش سعی دارد معادل تجسمی

این زبان استعاری را پیدا کرده و با تلاش و نبوغ و هنر خود تصاویر قراردادی برای مضامین ادبیات حماسی و غنائی و عرفانی فراهم سازد. نسل‌ها، چنین تصاویر را همچون ارثیه و خزائن گرانبیشت و سنتی نگاه‌مداری کرده و تغییراتی هم اگر می‌دهند فکرواندیشه عرفانی و ایرانی بر آن حاکم است و هویتی دارد که آنرا از آثار هنری ملل دیگر متمایز می‌سازد. این نقش‌های رمزی، از احساس هنرمند الهام می‌گیرند، در ذهن انسان تاثیر می‌گذارند، روح را به هیجان درمی‌آوردند و زیبایی را در حد کمال به نمایش می‌گذارند.

استاد فرشچیان در شماره ۲۷۲ دانستنیها می‌گوید: "چیزی که نقاشی ایرانی را متمایز از نقاشی چینی و ژاپنی می‌کند حالت احساسی است که در تمامی نقاشی‌های ایرانی دیده می‌شود. رمز و راز این نقوش ریشه در عرفان و سنت ایرانی دارد و هر هنری که از فکر و اندیشه عرفان و معنویت اصیل ایرانی سرچشمه بگیرد جاودانه باقی می‌ماند و همواره در دل و جان مردم جای می‌گیرد. در توضیح حالت احساسی می‌گوید: من هنگام کار بر روی یک اثر هنری احساس می‌کنم که تمام وجودم نیاز دارد که ذهنیاتم را بر روی تابلو پیاده کنم. آنگاه دستهایم در اختیار قلبم قرار می‌گیرند بعد از مغز مدد می‌گیرم تا بتوانم فکر و اندیشه‌ام را متبلور سازم و قلب و روحم در گرد این اثر می‌گردد. گاهی اوقات پیش آمده که هنگام خلق یک اثر چنان متأثر شده‌ام که در پایان وقتی احساس کرده‌ام که حق مطلب را ادا نموده‌ام به خاک افتاده و سجده شکر بجا می‌آورم."

ایرانیان هنرنقاشی را از نیاکان به ارث بردند و مانی و مکتب او تأثیر بسزائی در ادامه این هنر داشته است. نقاشان ایرانی بعد از اسلام توانسته‌اند با استفاده از قدرت ذوقی خود، آثار گوناگون ادبیات فارسی از آن جمله شاهنامه، قابوسنامه، کلیله و دمنه، دیوان خواجه‌ی کرمانی، خمسه نظامی، کلیات سعدی، دیوان حافظ، جامع التواریخ رشیدی و

کتابهای پزشکی و جغرافیایی را که قلمرو بسیار ارزنده و درخوری جهت عرضه مایه‌های هنری آنها به شمار می‌آمدند با نقش‌های بی نظیرو شاهکارهای بی بدیل مزین و منقش کنند.

از استادان بزرگ نقاشی می‌توان به احمد موسی اشاره کرد که برای نخستین بار گلها و درختها و چمن و پرندگان و جانوران را به شیوه دیگر از آن جمله یوان چینی درباغی ایرانی نقش کرده است. شاگرد او شمس الدین است که مینیاتورهایش در شاهنامه دیموت نمونه کمال و اوج نقاشی ایرانی است. این نسخه شاهنامه حاوی یکصد تصویر است و اکثر پژوهندگان و هنرشناسان شروع نگارش آنرا ۷۳۵ هجری قمری می‌دانند. جا دارد در این بخش به نقاشان دیگر نظیر میراحمد باغشمالی و بهزاد اشاره شود. بهزاد نابغه‌ای است که شاه اسماعیل صفوی در مورد او چنین حکمی صادر می‌نماید: " ... استاد کمال الدین بهزاد را که از قلم چهره‌گشایش جان مانی خجل شده و از کلک صورت آرایش لوح ارتنگ منفعل گشته ... مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته، حکم فرمودیم که منصب استیفاء و کلانتری مردم کتابخانه همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبان و جدول‌کشان و حلکاران و زرکوبان و لاجورد شویسان و سایر جماعتی که با مور مذکوره منسوب باشند، در ممالک محروسه مفوض و متعلق بدو باشد... و آنچه از لوازم امور مذکور است مخصوص بدو شناسند " (۲۵)

استاد کمال الدین بهزاد بزرگترین و مشهورترین نقاش مینیاتورساز ایرانی است. نقاشیهای خمه نظامی کتابخانه شاه طهماسب که در موزه بریتانیا می‌باشد و نسخه‌ای از بوستان سعدی که اینک در کتابخانه ملی قاهره مخزون است از این هنرمند می‌باشد. شیوه‌ی بکاربردن رنگهای گوناگون و درخشان تصویرها از حساسیت عمیق بهزاد نسبت به رنگها و توانائی هم‌آهنگ ساختن آنها حکایت دارد. در این آثار تناسب یک اجزای هر تصویر با مجموعه‌ی آن تصویر شگفت‌انگیز است.

شاخه‌های پرشکوفه، نقش کاشیها و فرشهای پرزیور، زمینه‌ی تصویرها، نمودار ذوق تزئینی و ظرافت بی‌حساب بهزاد است. دیگر اینکه صورت آدمها به صورتهای عروسکوار و یکنواخت نقاشیهای پیش از بهزاد شبیه نیست، بلکه هر صورتی نمودار شخصیتی است و حرکت و زندگی در آن دیده می‌شود. آدمها در حال استراحت نیز شکل و حالت طبیعی دارند. (۲۱) قاسم علی از معاصران بهزاد و میرمصور که مجلس "وزیر و جغد" او در خمسه نظامی شاه طهماسب برجسته‌ترین نمونه‌ی تناسب رنگ در نقاشی ایرانی می‌باشد. شاگردانی هستند که بطریقی از سرچشمه هنر بهزاد آب خورده‌اند و بوجود دو نسل از آنان: سلطان محمد، شیخ زاده، آقا میرک، میرمصور، دوست محمد و از نسل دوم میرزا علی، میرسید علی، مظفر علی، خواجه عبدالصمد، رضا عباسی و ... می‌توان اشاره کرد.

در آثار آقارضا برجستگی و ابعاد سه‌گانه برای نخستین بار بوسیله خطوط ساده متجلی است. در پایان این مقال باید به شاهنامه‌بایسنقری با خط مولانا جعفر تبریزی از استادان بنام خط نستعلیق اشاره رود که با ۲۱ پرده نقاشی گواه صادقی است بر تکامل هنر کتاب‌آرایی مبتنی بر دستاوردهای مکتب هنر تبریز و شیراز. (۲۲)

کاغذهایی که با تلاش اساتید کاغذسازی با اقتباس از چینی‌ها ساختند و تکمیل نمودند در مرغوبیت شهره آفاق بود. کاغذ سمرقندی که لطیف و نازک و زیبا بود، قرطاسهای مصری را از رونق انداخت. ابن ندیم از شش نوع کاغذ سلیمانی، طلحی منسوب به امرای طاهری، جعفری، منصور، ترمه‌ای و اصفهانی نام می‌برد. از شهرهای مشهور ایران که در ساختن کاغذ شهرت داشته‌است "خونسج" یا "خونه" بوده‌است. ذکری از این شهر در معجم البلدان یا قوت (متوفی ۶۲۷ هجری) چنین آمده است: "بین مراغه و زنجان شهری وجود داشته است که آن را کاغذکنان می‌نامیده‌اند به لحاظ شهرت آن در

داشتن کاغذهای مرغوب و این که بیشترین اهالی به ساختن کاغذ اشتغال داشتند". همین نیاز اهل کتاب و کتابت که مسلماً "استقبال عمام و تبجیل خاص را نیز از آنان بدنیاال داشته است سبب شد که در آن دوران کاغذ گران به جنبه‌های زیبایی شناختی در خصوص کاغذ بیندیشند و انواع گونه‌های الوان و هنری را فراهم آورند. سوای کاغذ آهارمهره، که از دیرباز کاغذیان به جهت مستحکم کردن کاغذ و نیز خوش قلم ساختن آن مطمح نظر داشته‌اند، از سدهء میانه به بعد با چگونگی رنگ آمیزی کاغذ و فراهم کردن کاغذهای دو پوسته و سه پوسته و متن و حاشیه شده آشنا شدند و با هنر خاص خود، گونه‌هایی از کاغذهای افشان زر و نقسره فراهم کردند و با بکار گرفتن ابرسازی در کاغذگری، انواع کاغذهای ابری را بوجود آوردند، کاغذهایی که نه تنها چشم نواز بوده‌اند بلکه از دیدگاه روانشناسی مطالعه و قرائت درخور تأمل هستند. (۲۳)

مرکب و قلم نیز با نهایت دقت و حوصله تدارک می‌شد. مرکب ساز ایرانی انواع مرکب سیاه، لیفه، حمبر و مرکبهای رنگین را در عالیترین نوع تهیه می‌کرده است. مرکب‌هایی که حتی بر اثر آب دیدگی کاغذ مغشوش نمی‌شد و در خشک کردن آن نیاز به آبچین نبوده است. در سده‌های میانه از مرکبی یاد می‌شود که به مانند پرتا ووس (مرکب مطـوس) رنگارنگ می‌نموده و به اصطلاح امروزی شبناب هم بوده است. در ساختن انواع دوات، محبره و مرکب دان که از فساد و تباهی و آلودگی مرکب و یا خشکیدن آن جلوگیری می‌کرده است و تعبیه نمودن گونه‌های قلم‌دان با نقش و نگارهای گوناگون، ذوق و ابتکار ایرانی تجلی کرده است. (۲۴) خامه و قلم و تهیه و تراش انواع و گونه‌های متناسب آن با انواع خطوط ایرانی و حتی کار با ناخن بجای قلم در خط ناخنی از ورزیدگی هنرمندان فن حکایت دارد.

آثار هنری جهت حفظ و حراست نیاز به صحافی داشت و همیـن احتیاج موجب رونق و رواج جلدگری شد. شاید ریشه این هنر در کارهای

مانی باشد. طی چندین قرن ذوق و هنر ایرانی بدایعی در این قسمست کتاب نیز خلق نمود. مجلدان ایرانی کوشیدند تا از انواع چرم های سخت و استوار و در عین حال نرم و انعطاف پذیر، نه تنها به عنوان رویه و پوشش جلد بهره گیرند بلکه گونه های مختلف آن را با الوان مختلف رنگ آمیزی کردند و از آنها در انواع عدیده جلد - که چرم در آن کاربرد داشته است - بهره بردند. برای جلوگیری از آفت قسمت بازکتساب جلد گران اقدام به تعبیه برگردان نمودند که همانند سرپاکت سوی مقابل عطف کتاب را تحت پوشش قرار می داد و حتی از آن برای نشانگاه بسه وقت مطالعه نیز استفاده می کردند.

چرم های لطیف انتخاب شده را با کوبیدن نقش و زرکوبی و رنگ آمیزی می آراستند. برای نقش کوبی قالب هائی از چرم که کار با این وسیله بهتر و دقیق تر از نوع چوبی آن صورت می پذیرفت ساخته شد. بعدها مهرهای فولادی و مسی نیز بکار گرفته شدند.

نقش جلدها عبارت بود از برجستگی های اغلب طلائی و زمینه های لاجوردی و خط ها و طرحهائی در رنگهای مختلف و باریکه هائی که نقش روی جلد را تکمیل می ساخت. پروفیسور آرتسورپوپ می نویسد کسه دریکی از این جلدها که در موزه بریتانیا ضبط شده است نیم میلیون نقش دستی جداگانه بکار رفته است. مجموعه چتربیتی در دویبلن جلادی از هنرمندان ایرانی دارد که تاریخ آن به قرن هشتم هجری برمی گردد. تزئین این اثر هنری، نیاز به ۵۵۰ هزار بار مهرکوبی ساده و ۴۳ هزار طلاکوبی داشته است. و تکمیل آن باید حدود دو سال طول کشیده باشد. (۲۵)

یکی از زیباترین و با اهمیت ترین جلدهای ایرانی موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت، خسرو و شیرین نظامی است. اهمیت این جلد در آن است که توسط محمد محسن تبریزی امضاء شده است. متن و خط آن بسیار زیبا است. کتاب حاوی نوزده مینیاتور است به امضای رضا عباسی نقاش نامی صفوی. این جلد از چرم قرمز و مقوا تهیه شده است.

تزئین میانی آن قوشی است که به غزالی حمله می‌کند. در گوشه‌ها تماویر اردک، خرگوش، روباه نقاشی شده است. یکی از اردکها که روی لبه برگردان با رنگ صورتی و سبز نقاشی شده است، به خوبی می‌تواند حکایت از جلای واقعی این جلد داشته باشد. آستربردقه‌ها از چرم طلائی و منبت کاری شده روی زمینه قرمز، آبی و سبزا است. گوشه‌ها را با چرم حکاکی شده پر کرده‌اند و در میان، یک مدال کوچک طلاکوبی شده با قالب مهر قرارداد. (۲۶)

قسمت داخلی جلد‌ها نیز آراسته می‌گردید و این بخش را لطیف‌تر و دقیق‌تر تزئین می‌کردند. در آنها گاهی نقاشی با تذهیب کاری رقابت می‌نمود. چون داخل جلد‌ها کمتر در معرض آفت و فرسودگی و پارگی قرار داشت، لذا روی این قسمت را معمولاً از چرم‌های روشن‌تری تهیه می‌کردند. یکی از جلد‌های زرانود شده موزه ویکتوریا و آلبرت چنین است: "در قسمت بیرونی این جلد که به صورت کاملاً برجسته و طلاکوبی شده است نقش حیوانات و پرندگان و درختان و ابرانرا آرایش کرده و حاشیه آن با لوحه‌های گلداز محصور گردیده است. قسمت درونی از چرم قرمز است که با منبت کاریهای طلائی پرداخته شده، روی زمینه رنگارنگ تزئین گردیده است. جلد‌های زیرین و زبرین، برگردان روی صفحات و لبه برگردان در پاکتی یک کتاب، چرم سیاه (بزمشرقی) روی مقوای تهیه شده از کاغذ، خارج جلد‌ها، طلاکوبی با قالب مهر و کاملاً برجسته، آسترها از چرم قرمز با منبت کاری تزئین شده است." (۲۷)

یکی از جذابیت‌های هنر روغن کاری در این زمینه متجلی است که علاوه بر اینکه جلوه‌ای تابناک به رنگها می‌بخشد، حایلی بوجود می‌آورد که گویی بیننده را مشتاق گذشتن از ورای آن می‌کند. یکی از این جلد‌ها بدین گونه تشریح شده است: "جلد زیرین دارای یک حاشیه باریک طلائی رنگ است. زمینه لوحه مرکزی سیاه‌رنگ است و صحنه یسک

میهمانی در هوای آزاد را تصویر می‌کند. امیری روی قالیچه زیر درختی نشسته است و جلوی او ظرف های میوه و تنگی آب قرار دارد. خادمی زانو زده و غذا تعارف می‌کند. سایر خادمین، مانند آنها که جلوی صحنه قرار دارند، یا مشغول به سیخ کشیدن گوشت و تهیه غذا هستند و یا به نواختن عود و دف مشغول اند. دو ملازم پشت سر امیر قرار گرفته‌اند که یکی قالیچه‌ای حمل می‌کند و دیگری تیر و ترکشی به دست دارد و موضوع این تصویر حاکی از ارتباط آن با تصویر جلد زیرین است که چهار سوار را در حال شکار گوزن نشان می‌دهد. سه نفر از سواران مسلح به تیروکمان اند. سمت چپ و بالای تصویر یک نفر قوش چی و یک ملازم، دورنمای تپه‌ای بر صخره دیده می‌شود. درختان و گلها و صخره‌ها با رنگ طلا دورگیری شده است. جلدهای درونی نیز بهمین نحو تزئین شده است. هر دو دارای حاشیه طلایی و مدال نالبردار مرکزی و گوشه‌های سیاه رنگ روی زمینه طلایی است. زمینه طلایی با نقش پرندگان سیاه و گل‌های صورتی و سبز آراسته شده است. ترنسج جلد زیرین، حاوی نقش پلنگی در حال دریدن گوزنی یا گورخری است. از این تصاویر چنین برمی‌آید که این جلدها باید مربوط به کتاب خمسه نظامی باشد که شامل داستان " لیلی و مجنون " و " خسرو و شیرین " است. (۲۸)

در آموزش و انتقال هر شاخه از این هنرها اساتید توجه به استعداد و ذوق شاگرد خود داشته است. آموزش بصورت انفرادی بوده و هر شاگردی بمثابه فرزند نگریسته می‌شد. جعفر بایسنقری شاگرد شمس الدین مشرقی بود و در خط نستعلیق خود چند شاگرد تربیت نموده است. کمال الدین بهزاد شاگرد میرک و نیز پیر احمد تبریزی بود. محمد حیدر در بساره این استاد و شاگرد می‌گوید: " مولانا میرک نقاش از نوادر زمان است و استاد بهزاد، اصل طرح هایش پخته تر از بهزاد است، و لسی در پرداخت به پای بهزاد نمی‌رسد. " مولانا مظفر علی فرزند حیدر علسی

(خواهر زاده بهزاد) بود. " شاگرد خوب استاد بهزاد بود آخر کار را بجائی رسانید که مردم او را قرنیه استاد بهزاد میدانستند و سوای تصویر درمثنی برداشتن و تحریر خط اعجاز داشت. خط نسخ تعلیسیق رانیز خوب می نوشت و افشان و تذهیب رانیکومی کرد و در رنگ و روغن کاری سرآمد روزگار بود و بجا معیت او کم کسی بود ... " (۲۹) شاگردان نیز حرمت اساتید خود را پاس می داشتند و با آنان رفتاری در حد پیرو مرشد و پدر می کردند.

سه کس راحق بود بر آدمی زاد	یکی پیرو دوم اب ، سوم استاد
مرازا اول درین دیرینه مکتب	هم استاد است و هم پیر است و هم اب
ز علم خط بسی تعلیم چون گنج	به خاطر بود از استاد گهر سنج. (۳۵)

ظاهر کتاب و آرایش آن و ذوق و استعدادی که در این رهگذر وسیله هنرمندان برجسته به کار می رفت هر بیننده را شیفته می ساخت و بسرای تصاحب آن از پرداخت هیچ گونه اجرت و قیمتی ابائی نداشتند. خضرمی می گوید: " بر کتابی نیاز داشتم و در بازار آنرا با خطی خوانسا و تفسیری کامل پیدا کردم و بی اندازه از این پیش آمد خوشحال شدم و برای خرید آن قیمت را بمزایده گزاردم . اتفاقا " جارچی کتابفروشی هم شروع به مزایده کرد من و او آنقدر قیمت را بالا بردیم تا جائی که پرداخت آن برای من مقدور نبود، لذا به جارچی گفتم مشتری کتاب کی است کسه آنقدر قیمت را بالا می برد. جارچی مرد محترمی را به من نشان داد کسه لباس فاخر در برداشت. من نزد او رفتم گفتم خداوند عمر جناب فقیه را زیاد کند واقعا " در مزایده قیمت کتاب خیلی تند رفتید. چون این کتاب آنقدر نمی ارزد، هرگاه شما طالب هستید مال شما باشد، مرد گفت من فقیه نیستم و اصلا " نمی دانم توی کتاب چه نوشته اند فقط چون دیدم این کتاب جلد قشنگی دارد و خطش نیکوست ، خواستم برای تجمل آنرا بخرم ... و خرید این کتاب بهر قیمتی باشد برای من ارزان است ". (۳۱)

ایجاد کتابخانه کاربرخروجی بود. اما کسانی که بر محتوای کتاب و هنر آن واقف بودند و مکتبی داشتند از صرف هیچ گونه هزینه گزاف در راه آن دریغ نداشتند. صاحب بن عباد در کنار کتاب بودن را بزرگوارت ترجیح می‌داد. سرای ابن عمید وزیر بوسیله قشون خراسان غارت گردید و بکلی به بیگما رفت. ابن عمید نگران کتابخانه و بی خبر از آن بود، زمانی که شنید به کتابخانه آسیب نرسیده است بسیار خوشحال شد و گفت: جبران هر چیزی امکان پذیر است اما اعاده کتابها بحالست نخستین ناممکن می‌باشد. (۳۲) عضدالدوله دیلمی بزرگترین امیرایسن سلسله عشق بی پهایانی به کتاب داشت. کتاب "الاعانی" ابوالفرج اصفهانی در سفر و حضر همواره با او بوده است. سجستانی محدث معروف یک آستین فراخ و یک آستین تنگ داشت. سبب را پرسیدند. گفت: اولی برای کتابی است که همراه دارم و دومی زیادی است. (۳۳)

بعضی اوقات کتابها مورد بی‌مهری قرار می‌گرفتند. اسکندر مقدونی، صلاح الدین ایوبی، سلطان محمود غزنوی و هلاکوخان..... بعضی از کتابها را آتش زدند.

ابن فاتک کتابخانه معظم و زیبایی داشت، تمام عمر این طبیب دانشمند صرف این کتابها شده بود، علاقه مفراط او به کتابچنان موجب حسادت زنش شده بود که پس از مرگ شوهرش تمام کتابها را در چاهی ریخت و آنگاه به سوگ شوهرنشست. (۳۴)

کتابها همواره ارزش خود را حفظ کرده‌اند و از زمان اسکندر تا زمان حال مورد طمع و توجه بوده‌اند. نادرشاه از بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی از آنهمه ثروت ۱۲ کتاب برگرفت. امروزه موزه‌ها با این کتابها تزئین می‌شوند و اعتبار دارند. کسانی از این کتابها ثروت‌های هنگفتی بدست می‌آورند. تلاش گروه هنرمندان نابغه و با استعداد است که این نادره‌های روزگاران را به یادگار گذاشته است. آنچه در کنسار هنرهای دیگر جلوه خاصی به کتاب می‌بخشد خط و آمیزش رنگهاست.

تناسب و نظمى که در کار نقاشان این کتابها دیده مى شود اعجاب آور و تحسین برانگیز است. در مینیاتورهای ایرانی به گفته پروفیسور پسوپ نه دهم زیبائی به رنگ ارتباط دارد و تفاوت میان یک مینیاتور با عکس ساده آن مانند تفاوت میان گل و عکس گل است. (۳۵)

منابع و مأخذ

- ۱- سارتن ، جورج ، تاریخ علم ، ترجمه احمد آرام ، تهران ۱۳۴۵ ، ص ۲۳ .
- ۲- صباغیان ، دکتر زهرا ، روشهای سواد آموزی بزرگسالان ، تهران ۱۳۶۲ ، ص ۱۱۲ .
- ۳- ترابی ، دکتر سید محمد ، نگاهی به تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام ، تهران ۱۳۷۱ ، ص ۳۲ .
- ۴- دایره المعارف مصاحب ، کلمه " کتاب " .
- ۵- سارتن ، جورج ، تاریخ علم ، ترجمه احمد آرام ، تهران ۱۳۴۵ ، ص ۲۳ .
- ۶- دال ، سوند ، تاریخ کتاب از کهن ترین دوران تا عصر حاضر ، ترجمه محمد علی خاکساری ، انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۷۲ ، ص ۴۱ .
- ۷- حکمت ، دکتر علیرضا ، آموزش و پرورش در ایران باستان ، تهران ۱۳۵۰ ، ص ۲۷۹ .
- ۸- جرجی زیدان ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهر کلام ، چاپ پنجم ، تهران ۱۳۵۶ ، ص ۵۴۶ . و
براون ، ادوارد ، تاریخ ادبی ایران ، جلد اول ، ترجمه علی پاشا صالح ، چاپ سوم ، تهران ۱۳۵۶ ، ص ۱۴۶ - ۱۶۸ .
- ۹- ترابی ، دکتر سید محمد ، نگاهی به تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام ، ص ۸۰ - ۸۹ .
- ۱۰- پیرنیا ، حسن ، اقبال آشتیانی ، عباس ، تاریخ ایران ، انتشارات کتابخانه خیام ، بدون تاریخ ، ص ۲۷۵ ، و صفا ، دکتر ذبیح الله ، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ، چاپ چهارم ، تهران ۱۳۵۶ .
ص ۵۱ - ۶۱ . و جرجی زیدان ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهر کلام ، ص ۵۷۵ .

- ۱۱- همایون فرخ ، رکن الدین ، کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران ، تهران ۱۳۴۵ ، ص ۱۰ .
- ۱۲- براون ، ادوارد ، تاریخ ادبی ایران ، جلد اول ، ترجمه علی پاشا صالح ، ص ۲۴۴ .
- ۱۳- ناصح ، ناطق ، بحثی در باره زندگی مانی و پیام او ، تهران ۱۳۵۷ ، ص ۲۲۲ .
- ۱۴- منتر ، آدم ، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ، جلد اول ، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو ، تهران ۱۳۶۲ ، ص ۲۰۵ . و ناصح ناطق ، بحثی در باره زندگی مانی و پیام او ، تصاویر آخر کتاب .
- ۱۵- فضائلی ، حبیب اله ، اطلس خط ، چاپ دوم ، اصفهان ۱۳۶۲ ، ص ۲۱ .
- ۱۶- آقازاده ، محرم ، سیری در مفهوم ملاحات ، نشریه سروش ، سال چهاردهم ، شماره ۶۲۰ .
- ۱۷- مایل هروی ، نجیب ، کتاب آرائی در تمدن اسلامی ، انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۷۲ ، ص ۹۱ .
- ۱۸- منتر ، آدم ، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری ، جلد اول ، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو ، ص ۲۰۵ .
- ۱۹- راوندی ، مرتضی ، تاریخ اجتماعی ایران ، جلد هفتم ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۶۸ ، ص ۵۸۶ .
- ۲۰- مقدم اشرفی ، م ، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران ، ترجمه رویین پاکباز ، تهران ۱۳۶۷ ، ص ۹۱ .
- ۲۱- پوپ ، پروفیسور آرتور آپهام ، شاهکارهای هنر ایران ، ترجمه پرویز ناتل خانلری ، تهران ۱۳۳۸ ، ص ۱۵۱ .
- ۲۲- مقدم اشرفی ، م ، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران ، ترجمه رویین پاکباز ، ص ۴۶ .
- ۲۳- مایل هروی ، نجیب ، کتاب آرائی در تمدن اسلامی ، انتشارات

- آستان قدس رضوی ۱۳۷۲ ، پیشگفتار ص هفده .
- ۲۴- ایضا " ، پیشگفتار ، ص هیجده .
- ۲۵- دانکن هالدین ، صحافی و جلدهای اسلامی ، ترجمه هوش آذرآذرنوش ، تهران ۱۳۶۶ ، ص ۶۹ .
- ۲۶- ایضا " ، ص ۷۱ .
- ۲۷- ایضا " ، لوح ۱۰۲ .
- ۲۸- ایضا " ، لوح ۹۱ .
- ۲۹- مقدم اشرفی ، م ، همگامی نقاشی با ادبیات در ایران ، ترجمه رویین پاکباز ، ص ص ۵۶ و ۱۰۰ .
- ۳۰- مایل هروی ، نجیب ، کتاب آرائی در تمدن اسلامی ، پیشگفتار ، ص پنجاه و نه .
- ۳۱- جرجی زیدان ، تاریخ تمدن اسلام ، ترجمه علی جواهرکلام ، چاپ پنجم ، ص ۶۳۳ .
- 32- Nakosteen, M., History of Islam Origins of western Education , Colorado , 1964, P.691.
- ۳۳- داغ ، دکتر محمد ، اویمن ، حفظ الرحمن ، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام ، ترجمه دکتر کوشافر ، انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۶۹ ، ص ۲۵۹ .
- ۳۴- ایضا " ، ص ۲۶۵ .
- ۳۵- پوپ ، پروفیسور آرتور آپهام ، شاهکارهای هنر ایران ، ترجمه پرویز ناتل خانلری ، تهران ۱۳۳۸ ، ص ۱۵۲ .